

## بررسی، تحلیل و دسته‌بندی بن‌مایه‌های دعا و نفرین در فرهنگ و ادب عامه کله‌ری

مهدی احمدی خواه (نویسنده مسئول)<sup>۱</sup>؛ علیرضا شوهانی<sup>۲</sup>

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۰۱ تیر ۱۴۰۱؛ تاریخ پذیرش: ۲۱ بهمن ۱۴۰۱؛ صص. ۱۹-۳۴

DOI: <https://doi.org/10.34785/J09.2022.002>

## چکیده

مطالعه در فرهنگ و ادب عامه و بررسی سویه‌های مختلف اعتقادی، تاریخی و ادبی آن منجر به شناخت بیشتر از چگونگی شکل‌گیری نوع نگرش و سیر تحول فکری و اجتماعی جوامع است. از مهم‌ترین سویه‌های اعتقادی در فرهنگ و ادب عامه، موضوع دعا و نفرین است. دعا و نفرین در فرهنگ و ادب عامه کله‌ری نمود و کاربرد فراوانی دارد. پژوهش حاضر بر آن است با استفاده از رویکرد مصاحبه و روش تحلیلی-توصیفی به بررسی گزاره‌های زبانی دعا و نفرین در گویش کله‌ری بپردازد. مهمترین هدف پژوهش حاضر یافتن پاسخ‌های اقناعی برای سؤالات پژوهش می‌باشد، که عبارتند از: ۱- دعا و نفرین چه جایگاهی در نوع نگرش کردهای کله‌ری دارد؟ ۲- این دعا و نفرین‌ها ریشه در کدام بخش از فرهنگ دیرینه کله‌ری دارند. ۳- شأن بیان این دعا و نفرین‌ها چیست؟ از مهمترین یافته‌های پژوهش آن است که گویشوران کله‌ری اغلب به دعا و نفرین و عواقب آن معتقدند. بن‌مایه‌های دعا و نفرین در گزاره‌های فرهنگ کله‌ری در سه مقوله باورهای دینی، روابط و مناسبات اجتماعی و مضامین تاریخی جای دارند. بالاترین بسامد از آن بن‌مایه‌های دینی و کمترین فراوانی مربوط به بن‌مایه‌های تاریخی است. همچنین بسامد دعا و نفرین‌های حاصل از مناسبات اجتماعی در مرتبه دوم است.

واژگان کلیدی: دعا و نفرین؛ بن‌مایه؛ ادب عامه؛ کردی کله‌ری.

## کورتیه

لیکۆلێنه‌وه‌ی فەرهنگ و ئەدەبی باو و لیکۆلێنه‌وه له لایه‌نه جۆراوجۆره‌کانی له بیروباوهر و میژوو و ئەدەب، دەبیتە هۆی تینگه‌یشتنێکی زیاتر له چۆنیەتی پێکھێنانی جۆری هەلۆست و رەوتی پەرەسەندنی فیکری و کۆمە‌لایه‌تی کۆمە‌لگا‌کان. یه‌کیک له لایه‌نه هه‌ره گرنگه‌کانی باوهربوون به فەرهنگ و ئەدەبی باو باهه‌تی نوێژ و نه‌فرته. نوێژ و نه‌فرته له فەرهنگ و ئەدەبیاتی باودا به شیوه‌یه‌کی به‌رفراوان به‌کارهێنراوه و لیکۆلێنه‌وه‌ی ئیستا له‌سه‌ر بنه‌مای ئەوان دامه‌زراوه. به‌کارهێنانی رێبازی چاوپێکه‌وتن و شیوازی شیکاری-وه‌سفکه‌ر بۆ لیکۆلێنه‌وه له‌گه‌ڵه‌ زمانیه‌یه‌کانی نوێژ و نه‌فرته به‌شیوه‌زاری که‌له‌وری بۆ پیدانی وه‌لامی زانستی بۆ پرسیاره‌کانی توێژینه‌وه که بریتین له: ۱- شوێنی نوێژ و نه‌فرته له هەلۆستی قسه‌که‌رانی که‌له‌وریدا چیه‌؟ ۲- هه‌ر یه‌کیک له‌م دوعا و نه‌فرته‌نه‌ ره‌گ و ریشه‌ی خۆی له‌ کام به‌شیک له‌ که‌لتوری دێرینی که‌له‌وریدا هه‌یه. ۳- که‌رامه‌تی گوتنی هه‌ریه‌کیک له‌م دوعا و نه‌فرته‌نه‌ چیه‌؟ یه‌کیک له‌ گرنگترین ده‌ره‌نجامه‌کانی توێژینه‌وه‌که‌ ئه‌وه‌یه‌ که‌ زۆر جار که‌سانی که‌له‌وری باوهریان به‌ نوێژ و نه‌فرته و لیکه‌وته‌کانی هه‌یه. یه‌کیکی تریان ئه‌وه‌یه‌ که‌ ته‌وه‌ری نوێژ و نه‌فرته له‌ گه‌ڵه‌ زمانه‌وانیه‌یه‌کانی فەرهنگی که‌له‌وریدا له‌ سه‌ پۆلی بیروباوهری ئایینی و په‌یوه‌ندیه‌ کۆمه‌لایه‌تیه‌یه‌کان و په‌یوه‌ندیه‌یه‌کان و ته‌وه‌ری میژوویدا هه‌لکه‌وتوون. که‌ به‌رزترین فریکۆئێنسیان ته‌وه‌ره‌ ئایینییه‌ کانه‌ و نزمترینیان په‌یوه‌ندی به‌ ته‌وه‌ری میژووویه‌ هه‌یه. هه‌روه‌ها فره‌پاتی نوێژ و نه‌فرته‌یه‌کانی ده‌ره‌نجامی په‌یوه‌ندیه‌ کۆمه‌لایه‌تیه‌یه‌کان له‌ پله‌ی دووه‌مدایه‌.

وشه‌گه‌لی سه‌ره‌کی: نوێژ و نه‌فرته؛ بن‌واتا؛ ئەدەبی گشتی؛ کوردی که‌له‌وری.

## ۱- مقدمه

باورها و اعتقادات عصاره‌ اصلی شکل‌گیری نگرش و اندیشه‌ انسان است که از دیرباز به عنوان دستاویزی استوار در مقابله با حوادث و رویدادهای ناگوار و صعب‌بدان پناه برده است، تا خاطر آزرده و روحیه‌ تضعیف‌شده‌ خود را با استمداد از آنها تسکین و تقویت نماید. یکی از این جلوه‌ها دعا و نفرین یا آفرین و نافرین است که انسان در موقعیت‌های مختلف و به تناسب حالات روحی و جسمی گوناگون به ویژه در مواجهه با واردهای طبیعی یا فراطبیعی که در دفع یا جذب آن ناتوان بوده است، در قالب گزاره‌هایی آنها را بر زبان آورده است. این گزاره‌ها ریشه در اعتقادات دینی، باورهای جمعی، تاریخ و اسطوره، فرهنگ و بافت زندگی اجتماعی ملت‌ها دارد.

[nima.ahamdi20@gmail.com](mailto:nima.ahamdi20@gmail.com)

[a.shohani@ilam.ac.ir](mailto:a.shohani@ilam.ac.ir)

۱. دکتری زبان و ادبیات فارسی، دبیر آموزش و پرورش و مدرس دانشگاه ایلام، ایلام، ایران

۲. دانشیار زبان و ادبیات فارسی، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران

آفرین به معنای دعای خیر و نفرین، شکل منفی و نقطه مقابل آن یعنی؛ دعای بد می‌باشد که ریشه آن‌ها از واژه «فری یا فرینا» در اوستا می‌باشد (مقدم، ۱۳۴۲: ۵۰). دهخدا در ذیل واژه «آفرین» معانی؛ «شادباش، مریزاد، انوشه، احسنت و ...» و همچنین ذیل واژه «نفرین»، «دعای بد» آورده است (دهخدا، ذیل عناوین آفرین و نفرین). این دو واژه متضاد در متون کهن ادب فارسی از بسامد بالایی برخوردارند.

فریدون شد و زو ره دین بماند  
به ضحاک بدبخت نفرین بماند (همان)

اکنون که تو را تکلفی گویم  
پیداست بر آفرینم نفرین (همان)

از نگاهی دیگر، دعا «درخواست از خداوند برای طلب حاجت خود یا دیگری است» (برایان، ۱۳۹۴: ۵۵) و نفرین درخواست ضرر و زیان برای کسی می‌باشد. گاه دیده می‌شود انسان از روی حسرت، شدت عصبانیت و پشیمانی خویش را مورد نفرین قرار می‌دهد.

دست من بشکسته بودی آن زمان  
که زدم من بر سر آن خوش زبان

این کنش‌های رفتاری و گزاره‌های زبانی به سبب آن که همواره در زندگی انسان و در شرایط گوناگون به اغراض مختلف استعمال می‌شوند، در گویش کردی کله‌ری و در فرهنگ گویشوران آن نیز بسامد بالایی دارند که ریشه در تاریخ، اعتقادات دینی، باورهای جمعی و سبک زندگی مردم کله‌ری دارد.

#### ۱-۱- بیان مسأله

از مهم‌ترین جنبه‌های اعتقادی در فرهنگ و ادب عامه، موضوع دعا و نفرین است. دعا و نفرین به عنوان نوعی درخواست و استمداد از عوامل و نیروهای فراطبیعی، بخشی از پربسامدترین گزاره‌های زبانی در فرهنگ کرد زبانان و به ویژه گویشوران کله‌ری می‌باشد که بر مبنای درونمایه می‌توان آن‌ها را در دسته‌های مختلفی طبقه‌بندی کرد. بن‌مایه‌های دعا و نفرین در گزاره‌های زبانی فرهنگ کله‌ری در سه مقوله باورهای دینی، روابط و مناسبات اجتماعی و مضامین تاریخی جای دارند. بالاترین بسامد دعا و نفرین از آن بن‌مایه‌های دینی و کمترین فراوانی از آن بن‌مایه‌های تاریخی می‌باشد. بر این اساس می‌توان گفت، بن‌مایه دعا و نفرین‌ها در گزاره‌های زبانی فرهنگ کله‌ری بیشتر باورهای دینی، سپس روابط و مناسبات اجتماعی و بعد مضامین تاریخی می‌باشد.

#### ۱-۲- فرضیات پژوهش

۱- از بررسی گزاره‌های زبانی ایل کله‌ری چنین بر می‌آید دعا و نفرین در زندگی، باور و فرهنگ کله‌ری از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

۲- به نظر می‌رسد دعا و نفرین ریشه در اعتقادات دینی، تاریخی و سبک زندگی اجتماعی کردزبانان کله‌ری داشته باشد.

#### ۱-۳- پیشینه پژوهش

در زمینه دعا و نفرین پژوهش‌های معدود و البته ارزشمندی در زبان فارسی و گویش‌های ایرانی انجام گرفته‌است که به شرح زیر می‌باشد:

- مقاله «آفرین و نفرین در آثار ایرانی باستان و میانه» اثر مهدی دهرامی و مجتبی فهمی‌پور، منتشر شده در مجله مطالعات ایرانی (۱۳۹۶). نویسندگان در این مقاله به بررسی وجوه دعا و نفرین در آثار پیش از اسلام پرداخته‌اند. از یافته‌های این پژوهش آن است که در اوستا آفرین و نفرین بیشتر در خدمت آموزه‌های دینی (دعای موجودات اهورایی و نفرین موجودات اهریمنی) می‌باشد. در کتیبه‌های هخامنشی دعا و نفرین جدای از ترغیب به پاسداشت کتیبه‌ها و گاه تحذیر حس وطن دوستی پادشاهان را که برای آبادانی کشور بسیار دعا می‌کنند، نیز نشان می‌دهد. در دوره میانه نفرین دیده نشد؛ اما دعاها همچنان با مضمون عمر طولانی و آرزوی پیروزی بر دشمن وجود دارند. همچنین دریافته‌اند که دعا و نفرین در کتاب‌های این دوره بیشتر جنبه ادبی دارند.

مقاله «بازتاب درون‌مایه دعا و نفرین در دوبیتی‌های عامیانه مازندران» اثر ویدا ساروی، منتشر شده در نشریه پژوهش‌های ادبی و بلاغی (۱۳۹۸). نویسنده این پژوهش به بررسی مبحث دعا و نفرین در دوبیتی‌های عامیانه پرداخته، و در نهایت به این نتیجه رسیده؛ دعاها بیشتر زبان حال عشاق است و در آن برای معشوق عمر طولانی و خوشبختی آرزو می‌کند؛ اما نفرین بیشتر به یار بی‌وفا و سپس بخت و اقبال عاشق، رقیب عشقی، مادر یار و قوم خویشان معشوق که مانع وصال بوده‌اند؛ برمی‌گردد.

مقاله «آفرین و نفرین در فرهنگ مردم بختیاری» اثر عباس قنبری عدیوی، منتشر شده در مجله فرهنگ ایران (۱۳۸۶). این پژوهش به صورت میدانی و با رویکرد مردم‌شناسی به انجام رسیده‌است. همان‌گونه که پیشتر ذکر شد، پژوهش‌های انجام شده در این مقوله بسیار محدود هستند و از بررسی آن‌ها چنین برمی‌آید که در ارتباط با موضوع «بررسی، تحلیل و دسته‌بندی بنمایه‌های دعا و نفرین در فرهنگ و ادب عامه کلهری» تا کنون پژوهشی انجام نگرفته، و این خود مؤید تازگی و اهمیت پژوهش حاضر است.

#### ۱-۴- روش تحقیق

این پژوهش به روش میدانی و از طریق مصاحبه با شصت نفر از گویشوران کلهری در رده‌های سنی بین بیست تا پنجاه سال انجام پذیرفته است. محقق در این مصاحبه‌ها با طرح سوالات نیمه ساختارمند که از قبل به طرح آن اقدام کرده، و مصاحبه شوندگان به آنها پاسخ داده‌اند، ابتدا ۵۶ دعا و نفرین را ضبط نموده، ضمن بررسی و تحلیل و به فراخور پژوهش تعداد دوازده دعا و دوازده نفرین را در سه بخش دعاها و نفرین‌هایی که بن‌مایه دینی دارند، دعاها و نفرین‌هایی که بن‌مایه‌های تاریخی دارند و دعاها و نفرین‌هایی که بن‌مایه‌های اجتماعی دارند؛ دسته‌بندی نموده‌است. لازم به ذکر است بخش نظری تحقیق با مراجعه به کتابخانه و استفاده از کتب و مقالات مربوط به دعا و نفرین فراهم آمده است. همچنین برای روایی تحقیق، داده‌های نهایی با شکل ضبط شده، و مکتوب آن‌ها در کتب فرهنگ و ادب عامه کردی چون: کلهرنامه (بخش امثال) اثر ناهید محمدی، فرهنگ عامه کرد اثر موسی پرنیان و ضرب المثل‌های ایلام اثر علی محمد سهراب‌نژاد مطابقت داده شده‌اند.

#### ۱-۵- مبانی نظری

##### ۱-۵-۱- دعا

تقاضا و درخواست فراهم شدن اسباب چیزی که از توان انسان بیرون است؛ از خداوند یا نیروی‌های معنوی و فراطبیعی برای خود و یا دیگران را دعا گویند. «دعا» و «دعوت» واژگانی عربی و مصدر «دعا، يدعو» هستند، از ریشه «دَعَوَ» در معنای ندا، خواندن و استغاثه (کمری بیدکرپه، ۱۳۹۰: ۱۱) که معادل فارسی «نیاز» و «راز و نیاز» می‌باشد. دعا چه در اصطلاح عام و چه در اصطلاح شرعی، نوعی تقاضا و درخواست متضرعانه از درگاه خداوند را در خود دارد.

##### ۱-۵-۲- نفرین

نفرین در معنای دعای بد و شوم در حق ظالمان و افراد شرور است که معنای مقابل آفرین «دعای خوب» را دارد. معادل آن در عربی «لعن» در معنای «طردشدن و دورشدن همراه با خشم از رحمت و مواهب» است. «لعن، طرد و دور شدن اگر از جانب خدا باشد، در آخرت به معنای عقوبت و در دنیا به معنای انقطاع و دور شدن از رحمت و توفیق است و اگر از جانب انسان باشد، به معنای دعا و نفرین و درخواستی در ضرر غیر است» (راغب اصفهانی: به نقل از زروان، ۱۳۹۵: ۲۸). گفتنی است در این پژوهش، منظور از «دعا» و «نفرین» تنها عبارات و گزاره‌های تقاضایی، خیرخواهانه و یا بدخواهانه‌ای است که مردم کلهر در گفتار روزمره خود در حالات حب و بغض در حق یکدیگر به کار می‌برند. گزاره‌هایی که بیشتر بسامد بالایی نیز برخوردارند.

### ۱-۵-۳- ایل کله‌ر

ایل کله‌ر در طول تاریخ نقش مهمی در تحولات کردستان، ایران و عثمانی داشته‌است (دهقان و بدخشان، ۱۳۹۸: ۱۰۹). این ایل یکی از شعب اصلی کرد و از کهن‌ترین طوایف غرب ایران و همچنین بزرگترین ایل کرمانشاه و دومین ایل بزرگ ایران می‌باشد. مردمان آن کردتبار هستند. ایوان‌غرب، گیلان‌غرب و اسلام‌آباد غرب پایتخت‌های اصلی ایل کله‌ر می‌باشند (میرنیا، ۱۳۶۸: ۲۷). دهقان و بدخشان در مقاله «تصریف فعل و مقوله‌های آن در کردی کله‌ری...» طی نموداری گویش کله‌ری را به شرح زیر معرفی می‌کنند:

گویش کله‌ری که در حقیقت گویش مورد تکلم مردم این ایل است، زیر مجموعه‌ی یکی از شاخه‌های زبان کردی (کردی مرکزی، کردی جنوبی، کردی شمال شرقی و کردی شمال غربی)؛ یعنی کردی جنوبی به شمار می‌رود و زبان کردی نیز در کنار زبان بلوچی از مجموعه‌ی زبان‌های ایرانی غربی می‌باشد که خود جزء خانواده‌ی بزرگ زبان‌های هند و ایرانی محسوب می‌گردد. زبان‌های هند و ایرانی نیز ریشه در خانواده‌ی بزرگ‌تر - زبان‌های هند و اروپایی - دارد (دهقان و بدخشان، ۱۳۹۸: ۱۰۹).

«مسکن و محل کوچ ایل کله‌ر در دوران مختلف تاریخی بنا بر استعداد ایلی و قدرت محلی آنان از لحاظ وسعت و حدود متفاوت بوده‌است» (پرنیان، ۱۳۸۰: ۴۰). در آغاز مسکن ایل کله‌ر در شهر کالج (نمرود فعلی) در بین‌النهرین (میان رودان) در کردستان عراق فعلی بوده است که بعدها به دامنه‌های شاهو و قلعه‌ی پلنگان (حد فاصل سنندج با کامیاران) و سپس به اطراف شاهراه خانقین-کرمانشاه کوچ می‌کنند. مسکن مردم کله‌ر در غرب ایران شهرستان‌های ایوان‌غرب و چرداول در استان ایلام و در استان کرمانشاه در شهرستان‌های گیلان‌غرب، اسلام‌آباد‌غرب، بخشی از کرمانشاه، سرپل‌ذهاب، قصرشیرین می‌باشد و بیجار و قروه در کردستان و جغتو شاهین دژ (چهاردولی‌ها) و از طرف مغرب به خاک کردستان عراق، محدود می‌شود. شهر ایوان‌غرب و گیلان‌غرب دو شهری هستند که تمام ساکنان آن ایل کله‌ر می‌باشند (گودرزی، ۱۳۸۱: ۱۸).

### ۲- بحث و بررسی

«دوا و نوور» یا «دعا و نفرین» عباراتی عاطفی هستند که کله‌رزبانان در مواقع خوش‌آمد یا بدآمد و غالباً اغلب به هنگام غلبه‌ی احساسات (حب و بغض) در حق کسی یا چیزی بر زبان جاری می‌سازند. گزاره‌هایی که ادا و بیان آن تا حدودی موجب فروکش کردن هیجان‌ات‌انی و تسکین دهنده‌ی روح و روان گوینده در زمان غلیان احساسات می‌شود. این عبارات (دعا و نفرین) استغاثه‌هایی است که بیشتر از نیروهای ماورای توان بشری چون خداوند و عناصر کیهانی (که در تاریخ بشر، مقام رب‌النوعی داشته‌اند) یا اشخاص قدیس طلب می‌شود. این عبارات‌ها بیشتر از یک بن‌مایه‌ی اعتقادی، تاریخی، اجتماعی دارند. در فرهنگ عامه کله‌ری، دعا و به ویژه نفرین از اهمیت بالایی برخوردار است تا جایی که واژه «نفرین» هم‌کرد «نزاع» را نیز به دنبال دارد (نوور و نزا / نفرین و نزاع) نزاع و عواقبی که مردم را به شدت از نفرین برحذر می‌دارد: «کافر نوور له پهی بوو/ کافر نفرین به دنبالش باشد» (محمدی، ۱۳۹۱: ۲۱۲). با وجود این گاه نیز دیده می‌شود این قوم از باب تعدیل این اندیشه، اعتقاد چندانی به تأثیر دعا و نفرین در زندگی انسان ندارند و معتقدند که: «کی وه دوعا هاتیه وه نوور بچوو؟/ کی با دعا آمده‌است که با نفرین برود؟» (همان) عبارتی استفهامی و از نوع انکاری که در حقیقت برای رعایت حال مخاطب، تأثیر دعا و نفرین را انکار می‌کند. نظر به اهمیت این گزاره‌های زبانی پرسامد در گویش کله‌ری و همچنین تأثیر و نقشی که در شکل‌گیری باورهای گویشوران آن دارد؛ پژوهش حاضر برآن است تا با تحلیل محتوایی دعاها و نفرین‌ها در گویش کردی کله‌ری ریشه‌های تاریخی، اعتقادی و اجتماعی این گزاره‌های زبانی و بیانی را مشخص نمایند.

## ۲- ۱- دعاها و نفرین‌هایی که بن‌مایه دینی دارند.

یکی از مقوله‌ها و اعمالی که قرآن و پیامبر بسیار بر آن تأکید دارند، موضوع دعاست. خداوند در قرآن می‌فرماید: «قُلْ مَا يَعْزُبُ عَنْكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ؛ بگو اگر دعای شما نباشد، پروردگارم هیچ اعتنایی به شما نمی‌کند» (فرقان: ۷۷) همچنین رسول‌الله (ص) آن را مغز عبادت می‌داند: «الدُّعَاءُ مُخُّ الْعِبَادَةِ، وَلَا يَهْلِكُ مَعَ الدُّعَاءِ أَحَدٌ» (بحارالانوار، ۳۷، ۳۰۰، ۹۳) مقوله دیگر نفرین و لعن در معنای «دور بودن از رحمت الهی» است که بارها در قرآن آمده‌است: در مورد شیطان (حجر: ۳۵ و ۷۸)، مشرکین و منافقین (الفتح: ۸ و التوبه: ۶۸)، کافران (بقره: ۱۶۱)، دروغگویان (آل عمران: ۶۱) و... با وجود این، پرهیز و اجتناب از نفرین و لعن در دین مورد تأکید می‌باشد، چنانکه پیامبر اکرم (ص) در حدیثی می‌فرماید: «لَيْسَ الْمُؤْمِنُ بِالطَّعَانِ وَلَا اللَّعَانِ وَلَا الْفَاحِشِ وَلَا الْبَذِي» (ابن مسعود، به نقل از سایت کتاب جامع، بازدید: ۲/۲۰ / ۱۴۰۱، ساعت ۱۵) همچنین از امام صادق (ع) روایت است که اگر نفرین شونده سزاوار نفرین نباشد، نفرین به خود نفرین کننده برمی‌گردد. این عبارات و مفاهیم دینی که انسان را از نفرین کردن باز می‌دارد، در فرهنگ عامه کلهری نیز به دید می‌آید «نور دو سهر دیری / نفرین به دو طرف برمی‌گردد» (مصاحبه). با این توضیح می‌توان دریافت در زبان محاوره و زندگی روزمره کلهرزبانان مانند گویشوران دیگر زبان‌ها مجموعه‌ای از دعاها و نفرین‌ها دیده می‌شود که ریشه در مباحث دینی و اعتقادات مذهبی آنان دارد. در ادامه به بخشی از این کنش‌های گفتاری و تحلیل محتوایی آن‌ها می‌پردازیم.

## ۲- ۱- ۱- دعا با بن‌مایه‌های دینی:

- «خودا وه ديار سه‌ردهو! / xodâ va deyâr-e-sardâ / خدا پاسبان و حافظ سرت باشد!» (مصاحبه).

طبق آموزه‌های دین اسلام، خداوند بهترین نگهبان و حافظ برای هر کس و هر چیز «فَاللَّهُ خَيْرٌ حَافِظًا وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ» (یوسف: ۶۴) است. کلهرزبانان نیز با تمسک بدین آیه در احوالات مختلف (هنگام سفر، بدرقه، ابراز محبت و...) برای عزیزان خود بهترین حافظ و نگهبان را آرزو می‌کنند و ضمان سلامتی او را به حضرت حق (جل جلاله) می‌سپارند.

- «خودا پاسد باری! / xodâ fâsed bârê / خدا به راه راست هدایتت کند!» (مصاحبه). که بی‌شک برگرفته از آیه «أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» (حمد: ۶) در نمازهای یومیه است که کلهرزبانان بدان اعتقاد راسخی داشته و پیوسته در احوالات مختلف (پاسخ به عمل خیر کسی یا صرف دعا و...) در حق همدیگر چنین دعایی را بر زبان جاری می‌سازند.

- «عهلی له شان پاسد! / ?ali la šâne fâsed / علی (ع) در سمت راست!» (مصاحبه).

در فرهنگ ایرانی، ترتیب قرار گرفتن مقامات دولتی و لشکری چه در هنگام بار و چه سفر یا لشکرکشی، عرف بر آن بوده است که هر یک از رجال حکومتی به فراخور مقام‌شان بر صدر مجلس یا چپ و راست تخت شاه می‌نشستند و جایگاهی ویژه داشتند. در این میان محل نشستن و قرار گرفتن وزیر اعظم که بیانگر جایگاه و شأن اوست در سمت راست پادشاه بوده است. متناسب با این اندیشه و در فرهنگ شیعی، این کارکرد به وجود حضرت علی (ع) اختصاص یافته‌است، چه در دین اسلام و به ویژه در مذهب تشیع، حضرت علی (ع) داناترین و عالم‌ترین شخصیت دینی و تاریخی پس از پیامبر به شمار می‌رود «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ عَلِيٌّ بَأُجْمَا فَمَنْ أَرَادَ الْعِلْمَ فَلْيَأْتِ الْبَابَ / من شهر علمم و علی در آن شهر است. هر که دنبال علم است، باید از این در وارد شود» (بحارالانوار، ج ۴۰، ص ۲۰۰).

۲-۱-۲- نفرین با بن‌مایه‌های دینی

- «لهی خهو بچیده نهو خهو! /*laÿ xaw beçid wa ?aw xaw*/ به خواب ابدی بروید!» (پرینان، ۱۳۸۰: ۱۹۱).  
 عبارت خواب برادر مرگ است؛ ریشه در مضامین دینی دارد. «الله یتوفی الانفس حین موتها و التي لم تمت فی منامها فیمسک التي قضی علیها الموت / خداست آن که وقت مرگ، ارواح خلق را می‌گیرد و آن کس را که هنوز مرگش فرا نرسیده، نیز در حال خواب روحش را قبض می‌کند، سپس آن را که حکم به مرگش کرده، جاننش را نگاه می‌دارد و آن را که حکم نکرده (به بدنش) می‌فرستد تا وقت معین «روزمرگ». در این کار نیز ادله‌ای «از قدرت الهی» برای متفکران پدیدار است» (زمر: ۴۲). همچنین رسول الله (ص) می‌فرمایند: «النومُ أخو الموت». کله‌ریبانان در حالات و مواضع مختلف «خشم و عصبانیت، دشمنی و کینه و ...» برای افرادی که به هنگام کار یا در مهمی خواب یا استراحت را بهانه می‌کنند؛ چنین نفرینی در حق او روا دانسته، و بر زبان می‌آورند. نفرینی که در حقیقت ریشه محتوایی آن در مباحث دینی می‌باشد.

- «بوده کلیددار درانهی دوزخ! /*büda kelid dâe derânaÿ duzax*/ کلیددار دروازه دوزخ شوید!» (محمدی، ۱۳۹۱: ۲۶۰). طبق آیات «وَ نَادُوا بِمَلِكٍ لِيُقْضَىٰ عَلَيْنَا رُبُّكَ قَالَ إِنَّكُمْ مَكْتُوبُونَ • لَقَدْ جِئْتُمْ بِالْحَقِّ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَكُمْ لِلْحَقِّ كَارِهُونَ / و آن دوزخیان، مالک دوزخ را ندا کنند: ای مالک! از خدای خود بخواه که ما را بمیراند تا از عذاب برهیم. [او] جواب دهد: شما در این عذاب همیشه خواهید بود [و هرگز رهایی نخواهید یافت]. ما راه خدا و آیین حق را برای شما مردم آوردیم؛ ولیکن اکثرتان از حق کراهت و اعراض داشتید» (زخرف: ۷۷ و ۷۸). کلیددار و خزانه‌دار دوزخ، فرشته‌ای است به نام «مالک» که دارای چهره‌ای زشت و خشن می‌باشد و از زمانی که نگهبان دوزخ شده، خنده بر لب نیاورده است. رسول الله (ص) در شب معراج با او ملاقات کرده است (بحارالانوار، ج ۸، ۲۸۴). نفرین فوق در گویش کله‌ری نیز متناظر با آیات قرآنی و مباحث دینی می‌باشد که گویشوران کله‌ری در حق دشمنان یا افراد مورد غضب خود بر زبان می‌آورند.

- «تفه نه‌قش تیولڈ! /*tefa naqše tēweld*/ تف بر نقش پیشانی‌ات!» (مصاحبه).

طبق اعتقادات دینی و آیات قرآنی سرنوشت انسان از روز ازل در لوح محفوظ نگاشته شده است «يَمْخُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَ يُثَبِّتُ وَ عِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ / خدا آنچه را بخواهد محو، یا اثبات می‌کند، و اصل کتاب نزد اوست» (رعد: ۳۹).  
 محتوای لوح محفوظ شامل تمام افعال بالقوه و بالفعل می‌باشد؛ اما این لوح محفوظ چیست؟ در باور عام و به خصوص در اندیشه کله‌ریبانان «به اشتباه» لوح محفوظ، پیشانی انسان است که از روز ازل هر آنچه در تقدیر اوست؛ بر آن نوشته شده است. لذا از آن با عنوان «نقش تیول» یا «نقش پیشانی» یاد می‌کنند و تُف کردن بر این نقش پیشانی بدترین نوع و بیانگر انزجار از طرف مقابل می‌باشد و بدان معنا به کار می‌رود که گوینده نفرین بر تقدیر شخص مقابل به سبب شومی سرنوشتش تُف می‌کند.

۲-۲-۲- دعاها و نفرین‌هایی که بن‌مایه تاریخی دارند:

«در آغاز دوره هخامنشیان دعا عنصر کافی به نظر می‌رسیده است و پادشاهان به آن اکتفا می‌کرده‌اند؛ اما به مرور علاوه بر دعا از نفرین نیز بهره برده‌اند که ضمانت اجرایی بیشتری در نظر گرفته شود. بزرگترین و مهمترین کتیبه دوران هخامنشی کتیبه داریوش در بیستون است. نخستین جایی که نفرین در آن آمده همین کتیبه است» (دهرامی و فهیمی‌پور، ۱۳۹۶: ۷۱). با این توضیح و در ادامه به دعاها و نفرین‌هایی پرداخته می‌شود که بن‌مایه آن‌ها بیشتر برگرفته از روایت‌ها و مناسبات و آداب تاریخی است.

## ۲-۱- دعا با بن‌مایه‌های تاریخی

«کر» داود وه دهور سهردهو! /keře dâved va dawre sared/ خط داوود به دور سرت! (محمدی، ۱۳۹۱: ۲۱۶). در ارتباط با بن‌مایه و ریشه‌ی دعای فوق، اختلاف نظرهایی به شرح زیر وجود دارد؛ در فرهنگ عامه‌ی کردی و از آنچه که در مصاحبه با گویشوران حاصل آمد؛ یکی از معجزات حضرت داوود (ع) آن بود که او به هنگام چوپانی و چرای گوسفندان، بارها مجبور می‌شد جهت استراحت، عبادت یا ... گله را در میان صحرا بدون نگهبان رها سازد. پس برای آنکه گله از تعرض گرگان در امان بماند، با عصایش دور تا دور آن‌ها را خطی دایره‌ای رسم می‌کرد که منجر به مصونیت گله از حمله‌ی حیوانات وحشی می‌شد و تا زمان بازگشتش، هیچ یک از گوسفندان از آن دایره خارج نشده، و هیچ گرگی یا درنده‌ای به درون دایره تعرض نمی‌کرده است.

گروهی دیگر برآنند بن‌مایه‌ی این دعا هیچ ارتباطی با داوود پیامبر (ع) ندارد. آنان معتقدند که در دعای مذکور مقصود از داوود، «داوود کهو سوار» (یکی از پیران اهل حق) است. او یکی از «هفت تن» است که در عقیده اهل حق دارای جایگاه مقدسی است. «پیرداو»، یا «داود کو سوار» که او را به عنوان گرداننده عالم هستی، مرشد و راهنمای پاکان اهل حق می‌شناسند، در اواخر قرن هشتم هجری قمری به دنیا آمد و پس از کسب علوم اولیه به سلطان اسحاق پیوست تا به سمت دلیلی عموم اهل حق منسوب گردید و در سال ۷۹۸ هجری قمری در «پردیور» وفات یافت (اهل حق پیران و مشاهیر، صص ۱۴۰-۱۳۹). همچنین در مسلک اهل حق «داوود» یا «داوت» از یاران مخصوص سلطان اسحاق و مظهر «میکائیل» از فرشتگان الهی است (شناخت فرقه اهل حق، ص ۴۰). آرامگاه او نزدیک رودخانه سیروان و در کنار مقبره سلطان اسحاق می‌باشد؛ گنبدی به رنگ نیلی آسمان.

«تاویر یکی از نویسندگان و بگه مردمان قوم لک که مطالعات زیادی را درباره قوم لک انجام داده است، درباره «داوت» باور دارد که داوت هیچ ارتباطی با داود پیامبر ندارد. او معتقد است داوت از مردان و مشاهیر بزرگ و عالیقدر اهل حق می‌باشد که زاد سال وی اواخر سده هشتم کوچی- خورشیدی می‌باشد. وی در این باره می‌نویسد: داوود یا داوت ملقب به داوت کاو سوار [به خاطر رنگ اسبش کاو سوار نامیده می‌شد]. دارای کرامات بسیار بوده، و از پیشگاه رهبر بزرگ اهل حق سلطان اسحاق (سلطان سحاک) به مقامات بلند عرفانی نائل گشته، و توسط وی به عنوان دلیل برای هدایت مردم منصوب شده است. مطابق «کتاب نامه‌ی سرانجام» او به مقام یاران مخصوص سلطان و فرشتگان چهارگانه رسیده است. همچنین از وی به عنوان یکی از فرشتگان هفتگانه نام برده‌اند که این اصطلاح هفت، ریشه در آیین ایران باستان دارد که توضیح مفصل می‌طلبد. داوت شعرهای فراوانی به زبان لکی سروده است. او در اوایل قرن نهم کوچی- خورشیدی وفات می‌یابد، آرامگاه وی در پنج کیلومتری سرپل ذهاب در منطقه ای به نام کل داوت قرار دارد» (دالوند، ۱۳۹۷، وبلاگ، بازدید؛ جمعه ۱۴۰۰/۶/۵ [www.dalvandclub.ir/1397/09/24/post-55](http://www.dalvandclub.ir/1397/09/24/post-55)).

با وجود این و با استناد به داده‌های دیگر «دعاهای دیگر» در گویش کلهری چون «کر داود و میهر سلیمان یا کر داود و میهر موحه‌ممه» (محمدی، ۱۳۹۱: ۲۱۵) در معنای «خط داوود و مَهر سلیمان» و «خط داوود و مهر محمد(ص)» چنین می‌نماید در این دعا «داوود» همان داوود نبی‌ست و قول نخست «خط کشیدن به دور گله گوسفند جهت

ممانعت از تعرض گرگان» صحیح باشد؛ زیرا در عبارت اول بعد از اسم داوود حضرت سلیمان که فرزند و جانشین او در امر نبوت می‌باشد، آمده است و در عبارت و دعای دوم نیز در مقابل اسم داوود، نام مبارک حضرت رسول (ص) ذکر شده است و این می‌رساند که این داوود نمی‌تواند «داود که‌وسوار» اهل حق باشد؛ بنابراین دعای مذکور در زمره دعاهای با بن‌مایه تاریخی و اسطوره‌ای قرار دارد، به این دلیل حضرت داوود(ع) شخصیتی تاریخی است و معجزه منتسب به او در کتاب تورات نیز ذکر نشده است. پس دعایی که کردزبانان کله‌ری «در هنگام خداحافظی، در حق کسی که به مسافرت می‌رود، یا در مقام ابراز محبت به او» ورد زبان دارند، دارای جنبه‌ای تاریخی است.

- «رهنجد وه رهنج فره‌ای بیستون نه‌ود! / fanjed va ranje farhâÿ bisetun nawd/ رنجت شبیه رنج فرهاد بیستون نگردد!» (مصاحبه). همانطور که از ساختار معنایی جمله مشخص است، کردزبانان با استناد به داستان تاریخی خسرو و شیرین و دلدادگی فرهاد کوهکن که به ناکام جانش را فدای عشق بی‌ثمر شیرین کرد، در حق همدیگر دعا می‌کنند که «انشالله رنج و تلاشت به ثمر بنشیند و به مانند فرهاد کوهکن تلاشت بی‌نتیجه نماند!». دعایی که در مواقع دیدن کوشش کسی برای رسیدن به هدفی، یا آمالی بر زبان جاری می‌سازند:

- «رمه‌ئ گورزد بای! / řemaÿ qwerzed bâÿ/ صدای کوبیدن گرزت به گوش برسد!» (محمدی، ۱۳۹۱: ۱۹۱). گرز یکی از کهنترین جنگ‌افزارهای جهان است. از این اسلحه در اوستا و شاهنامه به عنوان سلاح پهلوانان و پادشاهان نام برده شده است. سام، گرشاسپ و فریدون «گرز گاو‌سر» از جمله قهرمانان شاهنامه هستند که با گرز به نبرد پرداخته‌اند. از گرز در آوردگاه و میدان نبرد، بیشتر برای کوبیدن بر سر و سپر نیروها و سربازان دشمن استفاده می‌شد و صدای آن که در اصطلاح کردی کله‌ری بدان «رمه» می‌گویند؛ نشانه‌ی پیروزی، جنگاور و غلبه‌ او بر دشمن است. از این‌رو، مقصود از این دعا «رمه‌ی گورزد بای!» آن است که همیشه تندرست، سرحال، قدرتمند و پیروز باشید!

- «سکه وه ناود بژنیه‌ئ! / seka va nâwed bežanyaÿ/ سکه به اسمت ضرب کنند!» (همان: ۱۹۷). سکه‌زدن عبارت فلزی را به صورت مسکوک درآوردن. (دهخدا، ذیل عنوان «سکه‌زدن») در قدیم سکه را با نام پادشاه برحق یک سرزمین می‌زدند. پادشاهی که دارای مقبولیت و مشروعیت می‌بود؛ پس هنگامی که سکه به نام شاه قانونی زده می‌شد، هم سکه اعتبار می‌یافت و هم موجبات اقتدار و ثبات پادشاه فراهم می‌گشت.

زدند سکه پس آنگه بدولت دارا بسی گرفت ازو دهر زیب و زینت و فر (همان)

گاهی افرادی دیگر که قصد شورش و خروج علیه پادشاه وقت داشتند، در مناطق تحت سیطره خود اقدام به ضرب سکه می‌کردند تا با این عمل، مخالفت خود را با حاکم وقت اعلام نمایند. در داستان خسرو شیرین، معاندان «به احتمال عوامل بهرام چوبین» برای ایجاد کدورت و ضربه زدن به اقتدار هرمز ساسانی و به کل نظام شاهنشاهی ساسانیان، به عمده سکه به نام خسرو پرویز - فرزند هرمز - زدند و با این کار برآن بودند تا پادشاه را نسبت به فرزند جوان و ولیعهدش بدبین سازند.

که از پولادکاری خصم خونریز درم را سکه زد بر نام پرویز (همان)



معنی دیگر این کنایه «سکه زدن» رونق بازار و کسب و کار فراوان است. براین اساس، می‌توان گفت «سکه‌زدن یا سکه شدن» به معنی پولدار شدن و ثروتمند شدن است، پس با استمداد از موارد فوق می‌توان دعای مذکور «سکه وه ناود بژنیه‌ی!» را در معنای «معتبر شدن» چه از منظر اقتصادی و چه از لحاظ جایگاه اجتماعی دانست. دعایی که در احوالات مختلف ورد زبان مردم کلهر می‌باشد.

### ۲-۲-۲- نفرین با بن‌مایه‌های تاریخی

- «ئفتسه‌سڵد وه زه‌ردی بالزهره!» /ftaseled va zardi bâlzar/ نابودگر تو خورشید بال‌زرین باشد! (مصاحبه). مقصود از «زه‌ردی بال‌زهره» خورشید است. چرا که «نقش شاهین در آثار هنری مردمان آسیای غربی به فراوانی دیده شده است. مردمان باستان شباهت‌هایی میان خورشید و شاهین را احساس می‌کردند و آن دو را از آن یکدیگر می‌دانستند» (مرادی غیاث‌آبادی، ۱۳۹۱: ۸۶). همچنین از نگاه گذشتگان خورشید نه تنها عامل حیات، کشاورزی، رونق زندگی و نظم‌دهی بر عالم هستی به شمار می‌آمد؛ بلکه در مرتبه‌ی خدایی نیز قرار داشت. «خدای خورشید عیلامی مظهر قانون شمرده می‌شد و پادشاهان خود را وفادار به او می‌نامیدند. خدای خورشیدی ودایی هندوان با نام «سوریا» بر گردونه‌ای هفت‌اسبه و شتابناک سوار است، در حالیکه ارابه‌ران او «سپیده‌دم» است... خورشید سومری یا «اوتو» همراه با خورشید بابلی یا «شمش» دارنده‌ی بیناترین و هشیارترین چشم‌گیتی و پاسبان داد و داوری بشمار می‌رفت» (همان). همچنین به نظر می‌رسد، مصریان خدای خورشید را می‌پرستیدند تا پس از مرگ به عنوان قدرتمندترین الوهیت جهان غرب (آخرت) به ایشان نور و روشنایی بخشد. بر این اساس، (شاهین، مظهر خورشید و خورشید، مظهر خدا) خورشید، پرنده‌ای زرین‌بال خدایی است که ناظر بر اعمال انسان‌ها و تأثیرگذار بر سرنوشت آنان است.

جهان را بدو بیم و امید دان

بر او مرغ پراَن تو خورشید دان

(فردوسی، ۱۳۸۶: ۲۵۱)

نظر به عبارات فوق، نفرین «ئفتسه‌سڵد وه زه‌ردی بالزهره!» که ریشه در باورهای بسیار دور کردزبانان به ویژه کلهرزبانان دارد و در هاله‌ای از غبار تاریخ و در میان اسطوره‌ها جای گرفته، نفرینی سخت است که شخص نافرمان و ظالم را به بدترین شکل ممکن مورد شماتت و تهدید قرار می‌دهد.

- «خۆند بووده ته‌یشت!» /xüned buda tayšt/ خونت را در تشت بریزند! (مصاحبه).

از سخت‌ترین و خشونت‌آمیزترین مجازات‌ها در دربار پادشاهان گذشته آن بود که فرد خائن را دست‌بسته به حضور شاه می‌آوردند و در ملاء عام در میان یک تشت سر از تنش جدا می‌کردند تا مایه‌ی عبرت دیگران و موجب رعب همگان گردد. از نمونه‌های این نوع مجازات، اسطوره‌ی کشته‌شدن سیاوش به دست افراسیاب است که در شاهنامه ذکر شده است:

ز گرسیوز آن خنجر آبگون	گروی زره بستد از بهر خون
بیفگند پیل ژیان را به خاک	نه شرم آمدش زان سپهد نه باک
یکی تشت بنهاد زرین برش	جدا کرد زان سرو سیمین سرش
بجایی که فرموده بد تشت خون	گروی زره برد و کردش نگون

(فردوسی، ۱۳۸۶: ۳۵۷ و ۳۵۸)

از این بررسی می‌توان دریافت نفرین (خ‌قوند بوده ته‌ئ‌شت) ریشه در گذشته تاریخی دارد و بدترین و خشن‌ترین نفرینی است که گویشوران کله‌ری در حق شخص مورد غضب و نفرت بر زبان می‌آورند.

- «وهرد خودا دامه گژد. یا ئەق ت برمنی یا ت ئەق! /varde xodâ dâma gežed yâ ?aÿw te beremeni /yâ te ?aÿw/ خدا را به جنگ تو فرامی‌خوانم یا او تو را شکست دهد یا تو او را!» (مصاحبه).

در اسطوره‌ها، به ویژه اسطوره‌های یونانی بین انسان و خدایان مراد، آمیختگی و همزیستی وجود داشته‌است. «در اسطوره‌شناسی یونانیان، امتزاج خدا و انسان نیز پدیده‌ای به تمامی معمول بوده‌است... که از آن فرزندان با خصلت‌های نیمه‌خدایی - نیمه‌انسانی داشتند» (محمدی وکیل، یلخاری قهی، ۱۳۹۸: ۱۶۸). این اختلاط، نزدیکی و قرابت تا جایی است که منجر به جنگ و کشاکش بین انسان و برخی از خدایان شده‌است. «در اساطیر بین‌النهرین، تیامت به قصد کینه‌جویی و انتقام خون همسرش مقابل خدایان قرار می‌گیرد و مردوک پیروز می‌شود و او را می‌کشد» (راستی، ۱۳۹۴: ۸۶)، همچنین «ایکسون از پادشاهان تسالی بود که درصدد برآمد به «هرا» همسر زئوس تجاوز کند، زئوس بر او خشم گرفت و او را بر چرخ آتشین بست که پیوسته در حرکت بود» (همان: ۹۱).

از دیگر نمونه‌های تقابل بین انسان و خدایان می‌توان به نبرد بین یعقوب و الوهیم (ایزد)، منظومه ایلید که در آن پاریس با کمک خدایان موفق به کشتن آشیل می‌شود. در شاهنامه رستم به کمک سیمرغ (نماد امداد غیبی)، اسفندیار را از پای درمی‌آورد، می‌توان اشاره کرد. مبتنی بر این روایات می‌توان گفت نفرین «وهرد خودا دامه گژد. یا ئەق ت برمنی یا ت ئەق» ریشه در اسطوره‌های بشری دارد و به صورت شفاهی و سینه به سینه تا به امروز باقی مانده‌اند. این گزاره زبانی نفرینی است که در حالت استیصال و درماندگی از ظلم یا نافرمانی شخصی که توان مقابله با او وجود ندارد؛ بیان می‌شود و در آن به نابودی شخص نفرین شونده آرزو می‌شود. چرا که گوینده بر این باور است که تنها خدا قادر است، از شخص مورد نظر انتقام بگیرد یا او را مطیع سازد. بخشی از این نفرین به صورتی طنز در شعر زیر از علی اشرف نوبتی متخلص به «پرتو کرمانشاهی» آمده‌است:

منم و خیال کویه رو ازی خراو شده رفتم خدا بره گژت آخر تونه به کی بسپارم؟

(پرتو کرمانشاهی، ۱۳۹۶: ۴۹۸)

معنی: منم و این خیالی که یک روز از دنیای ویران بروم. خدا گریبانگیرت بشود، تو را به کی بسپارم؟

- «نۆرد بیه‌رئ! /nüred beparê/ نور از رخسارت برود!» (محمدی، ۱۳۹۱: ۱۹۱).

این نفرین ریشه در اعتقادات و باورهای تاریخی دارد. نوری که در اساطیر از آن به عنوان فره «فره ایزدی، فره شاهی، فره موبدی، فره کیانی و فره پهلوانی، فره زرتشتی» یاد می‌شود و آن موهبت یا فروغ ایزدی است که انسان با همت و تلاش آن را به کمال می‌رساند (معروف و داداشی، ۱۳۹۶: ۱۳۲). این فر، تنها متعلق به ایرانیان است و هرگونه بدی و تکبر موجب دور شدن آن از شخص می‌شود که از جلوه‌های آن، تنویر رخسار شخص فرهمند است. چون درخشش چهره جمشید که بسان خورشید می‌درخشید.

بر پایه باوری کهن، «فر» از انسان فرهمند بسان نور می‌تافته، و چنبری رخشان را بر گرد چهره وی پدید آورده است. هانری کربن بر آن است که این چنبر رخشان، یا «هاله اثیری» از ایران به دیگر کشورها برده شده، و چهره قدیسان را آراسته است» (همان: ۱۳۵). با ظهور اسلام و ورود آن به ایران، «فره ایرانی» استحاله شده، و مفاهیمی تازه در معنای «نور» و «عنایت الهی یا عنایت ازلی» می‌یابد. پس «فره الهی را در شاهنامه فردوسی و عنایت الهی را در مثنوی مولوی می‌توان دید و سنجید» (یوسفی و بیگزاده، ۱۳۹۴: ۱۰۷). سهروردی در کتاب حکمت الاشراق کلمه «نور» را به جای وجود به کار می‌برد و هستی را مراتب گوناگون نور می‌داند که از «نور الانوار» بهره‌مند شده‌اند» (معروف و داداشی، ۱۳۹۶: ۱۴۴). پس تمام انسان‌ها از فره ایزدی، عنایت الهی یا نور ازلی برخوردار می‌باشند که به استناد موارد فوق، در صورت تکبر، یا عملی ناشایست این نور از انسان گرفته می‌شود. چنان که در شاهنامه گسستن «فر» از جمشید موجب نابودی او گردید.

به یزدان هر آنکس که شد ناسپاس  
به دلش اندر آید ز هر سو هراس  
به جمشید بر تیره‌گون گشت روز  
همی کاست آن فر گیتی فروز

(فردوسی، ۱۳۸۶: ۸۶).

براین اساس، نفرین مورد بحث (نقرد بیه‌رئ) در بین کله‌رزبانان در مقام شماتت و برای شخصی که رفتار دور از انتظار، خطا یا اشتباهی «چه بزرگ و چه کوچک» از او سربرزند، به کار می‌رود؛ اما از آنجا که نفرین‌کنندگان بر بار معنایی این عبارت علم ندارند، پیوسته و در هر حالت و مقامی آن را بر زبان جاری می‌سازند.

## ۲-۳- دعاها و نفرین‌هایی که بن‌مایه اجتماعی دارند:

### ۲-۳-۱- دعا با بن‌مایه‌های اجتماعی:

- «کوانگد پروشن بوود! / kowaneged rúšen bud/ اجاقت روشن باد!» (مصاحبه).

دعای اجاق روشن کنایه از آن است که فرزندت پسر باشد، یا خداوند پسرانت را حفظ نماید. چرا که در گذشته و تا سالیان اخیر هر خانواده‌ای که صاحب پسران بیشتری بود، از رفاه و وضعیت معیشتی بالاتری برخوردار می‌شد. پسرانی که به کار و تلاش روی می‌آوردند و درآمد بیشتری را برای خانواده کسب کرده، اجاق خانواده و خورد و خوراک آن را روتق می‌بخشیدند. این رابطه تنگاتنگ بین داشتن فرزند ذکور و وضعیت معیشتی خانوارها موجب گردید تا کنایاتی مانند: وجاخ رووشن یا وجاخ کوور در معنای اجاق روشن و اجاق خاموش در زبان و فرهنگ عامه ایجاد گردد، برای مثال اجاق کور را در مورد خانواده‌های به کار می‌بردند که یا هرگز فرزند نداشتند و یا فرزندانشان مونث بود. چون: «وجاخ کوور و ته‌ژگای سیه/ اجاق خاموش و آتش دان تاریک» (سهراب‌نژاد، ۱۳۹۲: ۱۷۴). البته امروزه از این عبارت در مورد فرزندان ذکور نالایقی که نتواند کاری را به انجام برسانند یا رفتاری دور از انتظار انجام دهند، استفاده می‌شود. همچنین در مقام نفرین کسی، عبارت «تاگرد بمیردهو! آتشت خاموش شود!» به کار می‌برند و آن یعنی آتش اجاقی که تو مایه روشن آن هستی، خاموش شود و این خود معادل «بمیرید!» است. بر این اساس، عبارت دعایی و کنایی «کوانگد پروشن بوود» در بین گویشوران کله‌ر و در احوالات مختلف «صرف دعا، هنگام بخشش چیزی به کسی» به کار می‌رود.

- «خهرماند زیای! /xarmâned zeÿ âÿ/ خرمندت پر برکت باد!» (مصاحبه).

گوشوران کله‌ری دعای مذکور را در مواقع برداشت محصول کشاورزی و در برخورد با شخص کشاورز بر زبان جاری می‌سازند تا موجبات دلگرمی او را فراهم سازند. این گزاره زبانی و بیانی، برکت و فراوانی محصول را برای دیگران آرزو می‌نماید. گاه نیز در مقابل بخششی بیان می‌گردد. براین اساس، دعای مذکور متناظر بر فعالیت‌های اقتصادی و رفتارهای اجتماعی می‌باشد. که شکل منفی و نفرینی آن عبارت است از: «کردهت کوو نه‌گری! / تلاشنت نتیجه ندهد!» (محمدی، ۱۳۹۱: ۲۱۵).

- «پاد له کوه نه‌وپه‌ئی! /pâd la küwa nawryäÿ/ پادیت از کوه بریده نشود!» (همان: ۱۵۸).

همانطور که در مناطق ساحلی، دریا نماد بخشنندگی، کان رزق و روزیست در مناطق کوهستانی، به ویژه دامنه‌های زاگرس و نواحی کردنشین، کوه منبع ارتزاق و کسب روزی می‌باشد، چرا که کردها روزی و رزق خود را با فعالیت‌هایی چون شبانی، شکار، یافتن گیاهان خوراکی و دارویی در این عنصر طبیعی «کوه» می‌جویند و کوه بزرگترین مأمّن و منبع بخشش برای آنان به شمار می‌رود. از این‌رو، عبارت دعایی فوق بیانگر این معنا است که «همیشه تندرست، پویا و پر رزق و روزی باشید!». این عبارت در بین گوشوران کله‌ری در مواقعی بیان می‌گردد که کسی چیزی «به خصوص خوراکی» را به دیگری ببخشد. پس گزاره‌ی مذکور جهت سپاس و قدردانی از شخص بخشنده و ناظر بر تعاملات اجتماعی آنان می‌باشد.

- «دز بچوو دسد خاسوود! /dez beçu dased xâsud/ دزد برو دستت خوب باشد!» (همان: ۱۸۸). این دعا در

حالاتی بیان می‌شود که بدخواهی شخصی در مورد فرد یا افرادی منجر به خیر و برکت برای آنان گردد و معادل آن در زبان فارسی ضرب‌المثل «عدو شود سبب خیر گر خدا خواهد» می‌باشد.

## ۲-۳-۲ نفرین با بن‌مایه‌های اجتماعی

- «گیسد بوورن! /gised buřen/ گیسویت را ببرند!» (مصاحبه).

این گزاره، ناظر است بر رسمی کهن و مجازاتی برای زنان و دختران نافرمان، یا هرزه که قوانین قبیله یا خانواده را زیرپا می‌گذاشتند. در گذشته قوانین اجتماعی حکم می‌کرد که دختران هرزه یا نافرمان را باید به اشد مجازات (قتل نفس) برسانند؛ اما با گذر زمان این قانون خشونت‌آمیز کم‌کم تعدیل می‌شد و به بریدن یک دست و یک پای شخص (لاد بوورپه‌ئی!) و سپس بریدن گیسوی او که موجب رسوایی و بدنامی‌اش می‌شد، یا سیاه کردن چهره او و نشانیدن بر الاغ و چرخاندن میان روستا و شهر، اکتفا نمودند. امروزه نیز در برخی از احکام قضایی دیده می‌شود که اگر مردی به دختری مجرد تجاوز کند، باید با او ازدواج کند و جهت اینکه مبادا بعد از مدتی به بهانه‌ای طلاقش دهد، مهریه دختری را بخشی از اعضای بدن مرد «سمت راست یا چپ مرد» تعیین می‌کنند.

در ارتباط با مجازات گیس بریدن مواردی در فرهنگ و ادبیات به دید می‌آید، به عنوان مثال: در رمان کلیدر «شیرو»، دختر کلمیشی «کلمیشی و خانواده‌اش گرد زبانند که به سبزوار خراسان کوچانده شده‌اند»، برخلاف خواست خانواده و قوانین قبیله‌گی با خاطرخواه خود «ماه درویش» فرار کرده، ازدواج می‌کند. پس برادرش «بیگ محمد» در برابر چشم مردم

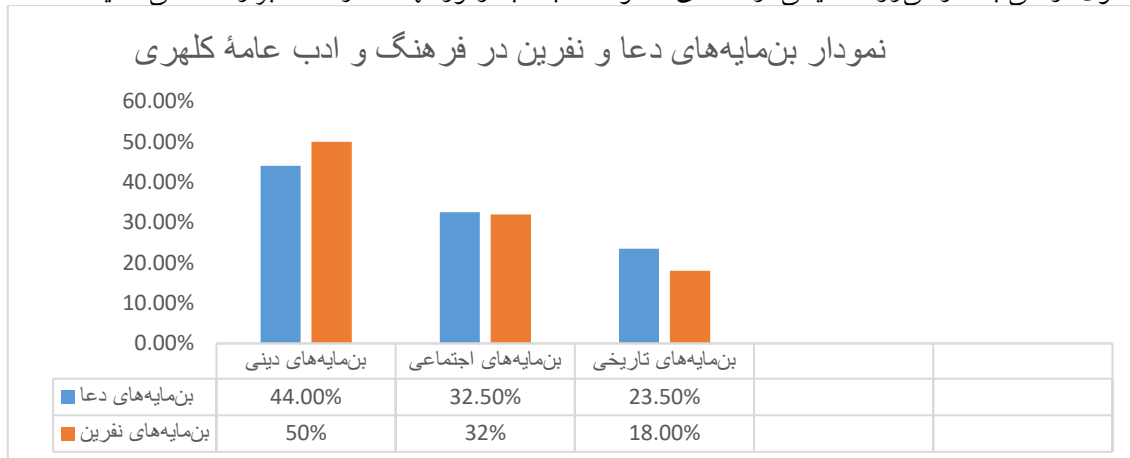
گیسوی او را می‌برد و ننگ را از خانواده‌اش می‌زداید. کلمیشی این کار پسر را تحسین کرده، می‌گوید: «پشتم راست شد، سرم بالا، سرفرازم کردی بیگ محمد!» (دولت‌آبادی، ۱۳۸۲: ۲۱۱). همچنین در مورد مردانی که قوانین قبیله، یا حرمت نوامیس دیگران را هتک می‌کردند، مجازاتی چون «بریدن خشک و دادن آن به دست یکی از خویشان»، «تراشیدن ابرو» یا «تراشیدن ریش و سبیل مرد» را اعمال می‌کردند. مجازاتی که منجر به رسوایی شخص و قبیله می‌شد. «اگر این بار، همچو خبری بشنوم، می‌دهم آن ابروهایت را بتراشند!» (شکورزاده، ۱۳۶۳: ۱۴۲ و ۲۱۴). طبق استنادات فوق، این نفرین معنی «رسوا شدن» دارد و در بین گویشوران کلهری اغلب در برابر عمل، یا کلامی که دور از متانت دختران، یا زنان است، به کار می‌رود. - «وهر مزلد وه کهور! /vare mezeled va kawr/ راه منزلت به صخره بخورد!» (مصاحبه).

در این نفرین، مقصود از منزل، منزل آخرین انسان یعنی؛ قبر می‌باشد. بدان معنا که گورکن هنگام کندن گور به صخره برخورد کند و قادر به کندن قبر برای شخص نباشد. در چنین مواقعی کردزبانان معتقدند کنده نشدن گور یا به دشواری کندن آن، نشانه گناهکاری شخص می‌ت است. گاه دیده شده که چندین قبر در چندین نقطه زمین برای یک می‌ت کنده‌اند؛ اما هر بار به زمین سخت و غیرقابل نفوذ برخورد کرده‌اند که در این مواقع گفته‌اند: «قبر می‌ت را نمی‌پذیرد». عبارت «گور نهو خوهی نه‌خریده!» گور تو را نپذیرد! نیز ناظر بر این عقاید و شرایط است. گویشوران کلهری آنگاه که شخصی در حق آنان بد رفتاری، نافرمانی و یا ظلمی انجام دهد چنین نفرینی را بر زبان می‌رانند: - «دهسد چوو نه‌گری! /dased çu nagrê/ دستت عصا نگیرد!» (محمدی، ۱۳۹۱: ۱۸۷).

در قدیم پسران هنگامی که به سن نوجوانی می‌رسیدند، به شغل چوپانی می‌پرداختند و در امر گذران و معیشت زندگی مشارکت نموده، نان‌آور خانواده می‌شدند. پس خانواده‌ها برای آماده کردنشان چوبی به دست آنان می‌دادند و از نحوه در دست گرفتن چوب متوجه می‌شدند که آیا می‌توان به فرزندشان امیدوار باشند یا نه؟ نفرین فوق، بیانگر دو معنی است: اول اینکه فرزند نفرین شده تا قبل از نوجوانی بمیرد و مدت عمرش به حدی نرسد که به چوپانی بپردازد. دیگر اینکه در صورت زنده ماندن، قادر به گرفتن چوب چوپانی در دست نباشد تا خیر و برکتی از او به خانواده‌اش نرسد. این نفرین نیز بن‌مایه‌ای اجتماعی دارد و ناظر بر تأثیر شخص در اقتصاد خانواده و مفید بودن او در اجتماع می‌باشد. - «له جی خون بچی! /la ji xün beçi/ جای خون بها بروی!» (همان، ۲۲۶).

یکی از رسوم کرد زبانان زاگرس‌نشین رسم «خون بس» است. این رسم، نوعی پیمان صلح جهت پایان دادن به عداوت‌ها و منازعات حاصل از قتل، هتک حرمت اخلاقی و ... ما بین دو قبیله، یا دو طایفه است که توسط بزرگان و میانجی‌گران برقرار می‌گردد. «در این سنت قومی، زنان بخشی از دیه محسوب می‌شوند... و طایفه، یا ایلی که مقتول از آنها است، یا خسارت دیده هستند و یا در مسائل اخلاقی و ... مورد تعدی قرار گرفته‌اند، در کنار دریافت اموال منقول، یا غیر منقول از متعدیان، دختری را از خانواده یا نزدیکان طایفه مقابل به عقد یکی از فرزندان یا بستگان خود در می‌آورند» (محمدی و احسانی، ۱۳۹۷: ۱۴۰ و ۱۴۱). در سنت «خون بس» دختری که برای دیه و جهت اعطاء به طایفه مقتول انتخاب می‌گردد، حق هیچ‌گونه اظهار نظر یا اعتراضی ندارد و در میان قبیله مقصد و نزد شوهر نه تنها از کرامت خاصی برخوردار نیست، بلکه اغلب مورد ضرب و شتم نیز قرار می‌گیرد و عنوان تحقیرآمیز «جی خۆن» یا «خون بها» تا پایان عمر بر او باقی می‌ماند. بر این اساس، عبارت (له جی خون بچی) که ریشه در یک سنت اجتماعی دارد، بدترین آرزو و نفرینی به شمار می‌رود که می‌توان در حق یک دختر بیان کرد و آن هنگامی بر زبان اطرافیان جاری می‌گردد که رفتاری دور از انتظار از دختر سربزند.

- «مال بی میه‌وان ناگر بچووده لی! / m â te b ê myaw ân ? âger be çuda lê / خانه بدون مهمان آتش بگیرد!» (محمدی، ۱۳۹۱: ۲۳۲). یکی از مهمترین ویژگی‌های اجتماعی کرد زبانان که بارزترین ویژگی آنان نیز به شمار می‌رود، روحیه مهمان‌نوازی است. از این‌رو، آنان هر خانه‌ای را که مهمان در آن رفت‌وآمد نداشته باشد، نفرین می‌کنند. عبارت فوق، زمانی به کار می‌رود که یکی از اعضای خانواده نسبت به وفور مهمان در خانه ابراز خستگی نماید.



از نمودار فوق چنین برمی‌آید که بن‌مایه‌های دینی بیشترین فراوانی و بن‌مایه‌های تاریخی کمترین بسامد در دعاها و نفرین‌های گویشوران کلهری دارد که این ناظر بر روحیه دینی - اعتقادی گویشوران است. همچنین بن‌مایه‌های اجتماعی در دعاها و نفرین‌ها در رتبه دوم فراوانی می‌باشد.

### ۳- نتیجه‌گیری

دعا و نفرین به عنوان نوعی درخواست و استمداد از عوامل و نیروهای فراطبیعی، بخشی از پربسامدترین گزاره‌های زبانی در فرهنگ کرد زبانان، به ویژه گویشوران کلهری می‌باشد که اغلب آن‌ها از بن‌مایه‌های دینی، تاریخی و اجتماعی و ... برخوردارند. پژوهش حاضر، پس از مصاحبه با گویشوران و ثبت داده‌ها، آن‌ها را در سه بخش: دعاها و نفرین‌های با درون‌مایه دینی، دعاها و نفرین‌های با درون‌مایه تاریخی و دعاها و نفرین‌های با درون‌مایه اجتماعی تفکیک نموده است و پس از تحلیل به نتایج زیر دست یافته است:

گویشوران کلهری اغلب به دعا و نفرین و عواقب آن معتقدند تا جایی که هر عمل خیری را به خاطر دعای باقی آن انجام می‌دهند و از عواقب نفرین نیز به شدت پرهیز دارند.

بن‌مایه دعا و نفرین‌ها در گزاره‌های زبانی فرهنگ کلهری بیشتر باورهای دینی، سپس روابط و مناسبات اجتماعی و بعد مضامین تاریخی می‌باشد. بر این اساس، دعاها و نفرین‌های با بن‌مایه‌های دینی بالاترین بسامد و دعاها و نفرین‌های با بن‌مایه تاریخی کمترین فراوانی را دارند. همچنین دعاها و نفرین‌های با بن‌مایه اجتماعی در رتبه دوم قرار می‌گیرند.

گویشوران کلهری، عبارات دعایی را در احوال مختلف (ابراز محبت، هنگام سفر، در پاسخ به بخشش و عمل نیک دیگران و ...) و عبارات نفرینی را در شرایط گوناگون (دادخواهی و تظلم، در مقابل رفتارهای دور از انتظار، نافرمانی و ناتوانی افراد از انجام عملی و ...) به کار می‌برند.

از دیگر نتایجی که در حین مشاهده و مصاحبه حاصل آمد، آن است که اکثر نفرین‌ها در گویش کلهری جنبه تکیه‌کلامی دارند و خودآگاه و ناخودآگاه (فارغ از نیت قلبی) ورد زبان گویشوران می‌باشد.

## منابع

قرآن کریم.

- براریان مرزونی، طاهره (۱۳۹۴). بررسی دعا و مناجات در مثنوی مولانا (دفتر اول تا ششم) با نگاهی فرمالیستی (فرم و ساختار). پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل.
- پرتو کرمانشاهی، علی اشرف نوبتی (۱۳۹۶). *کوچه باغی‌ها*. چاپ چهارم، تهران: سها.
- پرینان، موسی (۱۳۸۰). *فرهنگ عامه گرد*. کرمانشاه: چشمه هنر و دانش.
- دالوند، احمد (۱۳۹۷). «کر داوت ثر دورت». *ویلاگ دالوند*، ([www.dalvandclub.ir/1397/09/24/post-55](http://www.dalvandclub.ir/1397/09/24/post-55))
- دولت آبادی، محمود (۱۳۸۲). *کلیدر*. جلد ده. چاپ شانزدهم، تهران: فرهنگ معاصر، چشمه.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۲). *لغت نامه*. تهران: دانشگاه تهران.
- دهرامی، مهدی و مجتبی فهیمی‌پور (۱۳۹۶). «آفرین و نفرین در آثار ایرانی باستان و میانه». *مطالعات ایرانی*، دوره ۱۶، شماره ۳۱، صص ۶۵-۷۸.
- دهقان، مسعود و ابراهیم بدخشان (۱۳۹۸). «تصریف فعل و مقوله‌های در کردی کلهری براساس صرف زایشی باور». *پژوهشنامه ادبیات کردی*، دوره ۵، شماره ۸، صص ۱۰۷-۱۲۴.
- راستی، نرگس (۱۳۹۴). «بررسی تحلیلی عذاب خدایان در اساطیر ملل». *پارسه*، سال ۱۵، شماره ۲۵، صص ۸۰-۱۰۹.
- رضوانی، علی اصغر (۱۳۸۵). *شیعه‌شناسی و پاسخ به شبهات*. تهران: مشعر.
- زروان، زینب (۱۳۹۵). *دعا و نفرین و آیین‌های آن در اساطیر*. پایان‌نامه ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه سلمان فارسی کازرون.
- سارویی، ویدا (۱۳۹۸). «بازتاب درون‌مایه دعا و نفرین در دوبیتی‌های عامیانه مازندران». *فصلنامه پژوهش‌های ادبی و بلاغی*، سال هفتم، شماره ۲۷، صص ۵۸-۷۸.
- سهراب‌نژاد، علی محمد (۱۳۹۲). *ضرب‌المثل‌های ایلام*. ایلام: زانا.
- شکورزاده، ابراهیم (۱۳۶۳). *عقاید و رسوم خراسان بزرگ*. چاپ دوم، تهران: سروش.
- قنبری عدیوی، عباس (۱۳۸۶). «آفرین و نافرین در فرهنگ مردم بختیاری». *فرهنگ مردم ایران*، شماره ۱۱، صص ۶۹-۸۸.
- کمری بیدکرپه، نسرين (۱۳۹۰). *بررسی دعا و نیایش در شاهنامه فردوسی و تطبیق آن با دعاهای قرآنی و ادعیه مذکوره از ائمه اطهار*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران.
- گودرزی، علیرضا (۱۳۸۱). *ایل کلهر در دوره مشروطیت*. کرمانشاه: کرمانشاه.
- مجلسی، محمد باقرین محمد تقی (۱۳۶۳). *بحارالانوار*. ترجمه ابوالحسن موسوی همدانی. تهران: کتابخانه مسجد حضرت ولی عصر (عج).
- محمدی، کریم‌خان و حکیمه احسانی (۱۳۹۷). «مطالعه انسان‌شناختی پدیده خون‌بس در منطقه صیدون خوزستان». *اسلام و مطالعات اجتماعی*، دوره ۶، شماره اول، صص ۱۴۰-۱۶۹.
- محمدی، ناهید (۱۳۹۱). *کلهرنامه*. تهران: دستان.

محمدی وکیل، مینا و حسن بلخاری قهی (۱۳۹۸). «نگاهی به چگونگی استحاله مفهوم -خدا و انسان- از اسطوره‌های غربی یونان تا انسان محوری». *انسان‌پژوهی دینی*، سال ۱۶، شماره ۴۲، صص ۱۶۱-۱۸۲.

مرادی غیاث‌آبادی، رضا (۱۳۹۱). *گویی بالدار*، پژوهش‌های ایرانی: تهران.

معروف، غلامرضا و ایرج داداشی (۱۳۹۶). «مقوله بندی فرّه ایزدی و تکامل آن تحت تأثیر قرآن». *حکمت معاصر*، دوره ۸، شماره ۳، ۱۳۱-۱۶۹.

مقدم، محمد (۱۳۴۲). *راهنمای ریشه فعلهای در زبان اوستا و فارسی باستان و فارسی کنونی*. تهران: موسسه مطبوعاتی علمی.

میرنیا، علی (۱۳۶۸). *ایل‌ها و طایفه‌های عشایری کرد ایران*. تهران: نسل دانش.

یوسفی، روح‌الله و خلیل بیگزاده (۱۳۹۴). «فرّه ایزدی و عنایت الهی در جهان‌بینی اسطوره‌ای و عرفانی با تأکید بر شاهنامه فروسی و مثنوی معنوی مولوی». *عرفانیات در ادب فارسی*، دوره ۶، شماره ۲۲، ۱۰۷-۱۳۰.